

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
صص ۲۱-۱

تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)

دکتر محمدرضا حافظنیا* - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مراد کاویانی‌راد - جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر یداله کریمی‌پور - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت معلم

دکتر مهدی طاهرخانی - استادیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۵/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱/۲۰

چکیده

بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده که چه نسبتی میان جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران وجود دارد. روش این پژوهش از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۱۱۵۰۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای سهمیه‌ای، تعداد ۳۸۲ نفر (۵۳ درصد مرد و ۴۷ درصد زن) به‌عنوان نمونه آماری تحقیق برگزیده شدند. نتایج حاصل از واکاوی داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS نشان داد که گسترش فرایندهای جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات (ماهواره و اینترنت)، زمینه‌ساز تقویت هویت فروملی دانشجویان بوده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، هویت فروملی، هویت ملی، هویت فراملی.

مقدمه

اصطلاح جهانی شدن نمایانگر گسترش دامنه کنش و واکنش انسان و اجتماعات انسانی در پهنه کره زمین است. از این رو برخی از صاحب نظران کروی شدن را برابرنهاد این واژه دانسته اند. زیرا واژه Global به مفهوم کروی است. جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را در گستره اقتصاد، سیاست، فرهنگ و غیره متأثر ساخته است. تنوع در تعاریف و بنیادهای جهانی شدن، ناشی از این حقیقت است که جهانی شدن رویدادی در حال تکوین و شدن است. مفسر، تحولات گذشته تا زمان خود را ارجاع می دهد و دگرگونی در این موارد چنان گسترده و پرشتاب می نماید که هر روز می توان از زاویه ای نو به تفسیر این تحولات پرداخت. از این رو تعاریف مذکور نه می توانند کامل و نه همگان پذیر باشند.

جهانی شدن روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تشدید یکپارچگی و درهم تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد و سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره) میان کنشگران نو (NGOها، اجتماعات مجازی، شرکت های فراسرزمینی یا چندملیتی و غیره) و سنتی (دولت، حکومت، مقامات اداری و اجرایی) شده است. این تأثیرات دگرگونی در مناسبات پیشین اجتماعات انسانی، افزایش حجم مراودات، فراسرزمینی شدن نیازها و اثرگذاری ها، فزاینده دامنه آگاهی و به تبع آن، دگرگونی در مطالبات را به دنبال داشته است. تحول در گونه، ژرفا و سطح مطالبات، زمینه ساز دگرگونی در سطوح مختلف هویت اجتماعات انسانی در ابعاد فروملی، ملی و فراملی است. این مفروض در بسیاری از واحدهای سیاسی که هنوز نتوانسته اند بنیادهای هویت ملی همگان پذیری را تبیین کنند، موجب تقویت نیروهای واگرا (به ویژه در سطوح فروملی) و در نهایت تهدید موجودیت آنها شده است.

ایران نیز از لحاظ فضایی و فرهنگی از جمله دولت های متکثر است. نموده ها، شناسه های جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک آن در پیوند با فضای رسانه ای، به نحوی عمل کرده که به نظر شاهد پدیدار شدن هویت های ناحیه ای و محلی آن هستیم. در این میان، ابزارهای جهانی شدن (ماهواره، اینترنت و غیره) در تشدید این فرایند کارایی فزاینده ای داشته اند.

تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی ۳

شیوه تحقیق نوعاً توصیفی- تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای، مطالعه‌ای و پیمایشی است. برای واکاوی نسبت جهانی شدن با هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، دو پرسش زیر را می‌توان مطرح کرد:

۱. جهانی شدن چه تأثیری بر علائق سطح ملی دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های دولتی شهر

تهران داشته است؟

۲. جهانی شدن بر چه اساسی هویت ملی این دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده است؟

تعریف مفاهیم

۱. جهانی شدن

جهانی شدن بیانگر نوعی پراکنش کروی (اندیشه، کالا و غیره) است. (Salzano, 2003, P: 45) پیامدهای جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را در گستره فضا متأثر ساخته است. سطح و ژرفای این روند، پیوند سراسری با نقش آفرینی واحدهای سیاسی در گستره دانش، اقتصاد، برخورداری از میزان فناوری و غیره داشته است. تاکنون از این اصطلاح تعاریف مختلفی ارائه شده و هر یک از صاحب نظران متناسب با حوزه کاری خود، ابعاد ویژه‌ای از آن را مهم دانسته و به تفسیر و تبیین جهان پرداخته‌اند. در اینجا برخی از این تعاریف را که با عنوان مقاله همخوانی بیشتری دارند، ارائه می‌کنیم.

مالکوم واترز معتقد است جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند. (واترز، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

آنتونی گیدنز نیز معتقد است جهانی شدن، درهم تنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های «دوردست» با تاروپود موضعی یا محلی جوامع دیگر است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

در دایرةالمعارف اینکارتا نیز این تعریف آمده است: «جهانی شدن، هم‌گرایی و دموکراتیزه شدن فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، از طریق سرمایه‌گذاری فراملی، افزایش میزان ارتباطات، فناوری اطلاعات و تأثیر نیروی بازار آزاد بر اقتصادهای سطوح

محلی، منطقه‌ای و ملی است» (EncartaCD.2001).

کلاوس دودس در کتاب ژئوپولیتیک در جهان دگرگون شونده، بنیادهای جهانی شدن را چنین برمی‌شمارد: پایان جنگ سرد، شبکه‌های مالی و اطلاعات، چندپارگی^۱ حاکمیت دولت، منطقه‌گرایی، رسانه‌ها (Dodds, 2000, P: 10).

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و پیامدهای آن را بنیادی‌ترین پایه جهانی شدن دانسته‌اند. بنیاد مفروض زمینه‌ساز شتاب و دگرگونی تعاملات و مطالبات پیشین واحدهای انسانی در سطح و ژرفای ناهمسانی بوده است. در ادامه بحث، جایگاه فناوری در گستره جهانی شدن را بیشتر تبیین می‌کنیم.

۲. فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)^۲

ابزارهایی که فرد را در ضبط، ذخیره‌سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می‌دهند، فناوری اطلاعات می‌نامند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مختلف و پیشرفته، امکان برقراری سریع ارتباط و تبادل اطلاعات را بیش‌ازپیش فراهم می‌کنند. (صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۵۵) یکی از ابزارهای شتاب‌بخش در گستره مفهومی جهانی شدن، اینترنت است. شبکه جهانی اینترنت از هزینه انتشار اطلاعات کاسته و افراد را برای گذر از میانجی‌های سنتی که قدرت کنترل اطلاعات را داشتند، یاری می‌رساند. از این پدیده نوین با عنوان سیاست شبکه^۳ یاد می‌شود؛ گونه نوینی از دیپلماسی که جانشین واقع‌گرایی سیاسی^۴ سنتی شده است. سیاست شبکه، شیوه نوینی از دیپلماسی است که به دنبال بهره‌برداری از ظرفیت‌های قدرت‌زایی اینترنت به منظور شکل‌دهی به سیاست، فرهنگ، ارزش و هویت است. سیاست شبکه در امور نرمی^۵ چون مشروعیت اخلاقی، هویت فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و شناخت عمومی، زمینه پویایی و اثرگذاری می‌یابد. (Mills, 2002, P: 16) در فضای مجازی بیکران اینترنت یا سایبرنتیک، همه افراد حقیقی و حقوقی از طریق راه‌اندازی سایت و وبلاگ امکان نقش‌آفرینی یافته و گستره

1. Fragmentation
2. Information and Communication Technology
3. Netpolitik
4. Realpolitik
5. Softer

پیام‌رسانی خود را جهانی می‌سازند. اینترنت فضای سیاسی متفاوتی را برای گروه‌ها (احزاب، تشکل‌ها، اقوام و غیره) به وجود آورده است. همچنین ابزار اثرگذاری و دامنه دسترسی متنوعی را برای اعضا فراهم کرده و حس پیوستگی هویتی آنان را تقویت می‌نماید. این وضعیت برای گروه‌های از نظر سرزمینی پراکنده بسیار مؤثر است. دیپلماسی مجازی^۱ برای گروه‌های سیاسی و فرهنگی پراکنده، سرزمینی مجازی (پیوسته) به وجود می‌آورد (Mills, 2002, P: 18). در نتیجه، تعاملات هویتی و فرهنگی آنان افزایش یافته و ارزش‌ها و باورها بعد فرامنطقه‌ای و جهانی می‌یابند.

از تحولات فرهنگی عصر جهانی شدن با عنوان پسا-تجددخواهی^۲ نیز یاد می‌شود. پسا-تجددخواهی با استفاده از نظریه انتقادی به عنوان سازوکار روش‌شناختی جدید، نظریه‌ها و سیاست‌های زن‌محورانه،^۳ هویت، محیط‌زیست، حمایت از ستم‌دیدگان، اقوام، پیروان مذهبی و اقلیت‌های طبقات حاشیه‌ای را صورت‌بندی کرده است. مروجان این مکاتب تلذذ فکری به پایان واقعیت عینی عقیده دارند و تأکید می‌کنند که جهان و ادراک ما از آن، مقوله‌ای ذهنی است. به عبارتی، ادراک هر فردی همان قدر معتبر است که ادراک هر فرد دیگر (رجایی ۱۳۸۰، ص ۶۹) که نتیجه آن ورود به مقوله نسبی‌گرایی و پایان دوران فراروایت‌ها^۴ است. اینترنت گستره عینیت این بنیاد فلسفی است و هر کس در آن از ظن خود به خودنمایی می‌پردازد. برآمدن جهان بی‌مرز و بی‌مفهوم شدن مرز فیزیکی دولت‌ها و حتی فرسایش دولت-ملت‌ها در گستره ژئوپلیتیک در نتیجه تعاملات فزاینده جهانی را یکی از پیامدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات دانسته‌اند. (Reis, 2002, P: 35).

قدرت در گستره جهانی شدن بر تولید دانش مبتنی است. در این گستره کشورهای قدرتمند محسوب می‌شوند که در دو محور اقتصاد و فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشگام باشند. بی‌گمان کشورهای انگلوساکسون و حوزه‌های متأثر از فرهنگ آنها، کنشگران اصلی این گستره‌اند و کشورهای دیگر به‌نوعی دنباله‌رو آنها به‌شمار می‌روند. از این منظر است که زبان

1. Cyberdiplomacy
2. Postmodernism
3. Feminism
4. Metanarrative

انگلیسی به عنوان زبان مسلط در فرهنگ نخبگان جوامع در امور تجاری، محاسبات، قانون، علوم و سیاست ظاهر شده و بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد فیلم‌های اروپایی، خاستگاه خارجی و عمدتاً آمریکایی دارند (Held, 1997, P: 23). به‌طور کلی درباره اثرگذاری اینترنت بر فرهنگ سه فرضیه می‌توان مطرح کرد.

الف) نیک‌خواهی فرهنگی^۱

اینترنت می‌تواند تساهل نسبت به تفاوت‌های فرهنگی را در سطح جهان افزایش دهد. در این شرایط افراد در اصول فرهنگی دیگران دخالتی نمی‌کنند. اینترنت به افراد اجازه می‌دهد با جوامع محلی دوردست ارتباط برقرار کنند و درباره اصول و تفاوت‌ها، با دیگر فرهنگ‌ها مذاکره توأم با احترام داشته باشند. در غیر این صورت فرهنگ‌ها متأثر شده و دچار دگرذیسی می‌شوند. به‌همین دلیل بسیاری دولت‌ها به کنترل بسیاری از سایت‌های اینترنتی اقدام کرده‌اند (Houston, 2001, P: 43).

ب) ستیزش فرهنگی^۲

اینترنت می‌تواند زمینه گفت‌وگو را به سوی ایدئولوژی انقباضی و تنش فرهنگی در گستره جهانی بکشد. در شرایطی که افراد دارای ایده‌های فرهنگی ناهمگن هستند، برخی فرهنگ‌ها به‌جای تساهل بیشتر، خود را بالاتر از دیگران پنداشته و درصدد القای فرهنگ خود بر دیگران هستند. (Houston, 2001, P: 44).

ج) تخریب خلاق فرهنگی^۳

اینترنت می‌تواند تعاملات میان فرهنگی^۴ را افزایش دهد. در این وضعیت، گفت‌وگوی جهانی زمینه را برای رقابت و تعاون پیرامون ایده‌ها و ارزش‌ها گسترش می‌دهد، اما این دگرگونی‌های فرهنگی در حد احتمال است. ایده‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای «بیگانه»^۵ می‌توانند واحدهای

1. Cultural Benevolence
2. Cultural warfare
3. Cultural creative destruction
4. cross-cultural
5. Foreign

محلی را زیر و رو کنند. از چنین منظری است که اینترنت می‌تواند زمینه ستیزش فرهنگی را فراهم کند؛ به‌ویژه در جاهایی که افراد، فاقد بدیل‌های فرهنگی لازم باشند. (Houston, 2001, P: 46).

جهانی‌شدن می‌تواند توانایی‌های دولت ملی را برای کنترل آنچه در محدوده قلمروش اتفاق می‌افتد، کاهش دهد. این روند در قالب فشردگی فرایند زمان و افزایش شتاب، نمود یافته و از رهگذر آن هویت‌های متمایز به‌نوعی همگونی فراخوانده می‌شوند. ازسویی، فرایند جهانی‌شدن همگونی و یکپارچگی را از بین برده و جامعه را به فضایی نفوذپذیر و چندپاره تبدیل کرده است (تاجیک ۱۳۸۲، ص ۱۵).

نقش‌آفرینی نیروهای واگرا و همگرا که بنیاد هویت ملی، هم‌بستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی واحدهای سیاسی ناهمگن را از لحاظ فرهنگی به‌چالش کشیده، ازجمله پیامدهای فرایند جهانی‌شدن است. ضعف واحدهای سیاسی، گرایش به ارزش‌های فراملی - فروملی و دگرگونی وفاداری‌ها و هویت‌ها نتیجه این فرایند است. جنبش‌های ناحیه‌گرا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به تقویت تمایز هویت‌های متنوع فروملی و فراملی می‌پردازند که پیش‌ازاین به‌صورت سنتی از سوی دولت ملی مهار می‌شدند؛ (برادن، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). هرچند برخی ادعا دارند که جهانی‌شدن گونه‌ای همسان‌سازی فرهنگی و هویتی را به‌دنبال داشته و زمینه جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های جهانی فرهنگ یا فرهنگ واحد جهانی^۱ در ورای هویت‌های ملی رشد کرده و درنهایت بر آنها غالب می‌گردد. (پورااحمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

۳. هویت ملی

هویت مفهومی ناظر به حالات و اعمال شخصی است و ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخیص و فردیت یک شخص یا یک جامعه را تشکیل می‌دهد. هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد و پس از تبلور باقی مانده، دگرسان شده یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۲۳۶). مؤلفه‌های عینی هویت در سطح اجتماعی ساختارهای «هویت ملی» را شکل می‌دهند و آن را از هویت‌های ملی و ملیت‌های دیگر متمایز می‌کنند. هویت ملی براساس تغییر شکل نظام

سیاسی، تحول در باورهای فرهنگی و گشودگی آن به روی آموزه‌های فرهنگی دیگر، دچار دگردیسی شده و به مقوله‌ای نسبی و عصری تبدیل می‌شود (حقدار، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸) و آگاهی، هویت، نگرش و رفتار افراد را جهت می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت ویژگی‌های رفتاری افراد جامعه در هر زمان، ملهم از آگاهی و معرفت آنهاست که افزون بر شکل‌دهی به هویت آن جامعه، به زیرساخت‌های تاریخی نسل‌های بعدی نیز تبدیل می‌شود (شاکری، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱). یکی از گرایش‌های هویتی افراد، هویت ملی آنان به‌عنوان بنیاد شکل‌گیری ملت است. هویت ملی، احساس وفاداری و تعلق به عناصر و نمادهای مشترکی چون ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی است. توسلی، ۱۳۸۱، ص ۸۵). اساس این بستگی‌ها و تعلقات و هویت‌های مشخص، دولت - ملت‌ها را از هم منفک ساخته و هویت آنان را براساس ملت مشخص می‌کند. (تهرانیان، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲).

در عصر انفورماتیک و ارتباطات، یا به‌عبارتی عصر گسترش انقلاب رسانه‌ای، پدیداری فرهنگ دیجیتال و رسوخ پدیده اینترنت در تمام ابعاد زندگی بشری، اندوخته‌ها و آموخته‌های فرهنگی نیز تن به روایت‌ها و قرائت‌های مختلف داده و هیچ‌ایده، فرهنگ، گفتمان و کنشی از تکثرگرایی به دور نمانده است. (قوام، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). گسترش تدریجی ماهواره‌های پخش مستقیم نیز که گیرنده‌های خارجی از طریق آنها می‌توانند به طور مستقیم امواج تلویزیونی را دریافت کنند، نفوذ و قدرت رسانه‌ها را چند برابر خواهد کرد. (دیباچ، ۱۳۸۳، ص ۴۵۷).

گستره دایره اثرگذاری و اثرپذیری در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و مباحث هویتی مترتب بر آن، نشانگر سیالیت ابعاد هویت است. از این‌رو همه هویت‌ها در ابعاد فروملی، ملی و فراملی دچار نوعی بی‌ثباتی و شناوری شده‌اند و در نتیجه نمادهای هویت‌ساز، کارکردی ناهمسان یافته‌اند. به‌عبارتی، دست‌کم کارکرد سنتی آنها به‌چالش کشیده شده است. مبحث حاضر در پی آن است که پیامدهای جهانی‌شدن برای هویت ملی ایرانی را با مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهد.

محیط‌شناسی مسئله

هویت ملی ایرانی در عصر جهانی شدن

کشور ایران بخشی از فلات ایران به‌شمار می‌رود و دارای مساحتی برابر با یک میلیون و ۶۴۸

هزار کیلومتر مربع است. کوهستانی بودن قسمت عمده کشور و قرار گرفتن آن در کمربند خشک جهان، مهم‌ترین عامل مؤثر در تعیین شرایط آب‌وهوایی آن بوده است. (رهنمایی، ۱۳۷۰، ص ۱۰). این سرزمین به دلیل بستر طبیعی و موقعیت جغرافیایی مطلق و نسبی خود، همواره دارای شرایط ناپایداری بوده و در معرض حوادث طبیعی و انسانی گوناگون قرار داشته است که عمده‌ترین آنها زمین‌لرزه، سیل، خشکسالی و یورش‌های بیگانگان بوده است. برای نمونه، مکان‌گزینی سکونت‌گاه‌ها بدون ملاحظه خطرزایی بستر طبیعی انجام پذیرفته و در اثر هر حادثه طبیعی، ثمرات تلاش سکنة سرزمین ایران بارها نابود شده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۶، ص ۷۶). در نتیجه، بستر جغرافیایی ایران نتوانسته ثبات و آرامش بلندمدت برآمده از شناسه‌های محیطی و جغرافیایی را برای باشندگان خود فراهم کند.

قلمرو و فضای جغرافیایی ایران با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاها و قلمروهای پیرامونی متمایز می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۵). این سرزمین به دلیل موقعیت جغرافیایی، در گذشته همواره مورد هجوم اقوامی از فضاها و قلمروهای متفاوت فرهنگی پیرامون بوده است. هراس تاریخی برآمده از یورش اقوام بیگانه در تمامی شئون حیات و فرهنگ ایرانی تأثیر گذاشته است. این ویژگی سبب شده که ایرانی با بهره‌گیری از سازگاری فرهنگی به نحوی با مهاجمان بیگانه کنار آمده و آنچنان متجاوزان را در خود حل کند که پس از مدتی تشخیص خودی و بیگانه ناممکن شده است. این سرزمین بنابه ویژگی‌های طبیعی - به ویژه موقعیت جغرافیایی - چراگاه‌های قابل توجهی دارد. طبق شواهد تاریخی، ورود اقوام آریایی و استقرار آنها در ایران که در واقع آغاز تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران به‌شمار می‌رود، مولود انگیزه اقتصادی و دستیابی به چراگاه بوده است.

موقعیت چهارراهی ایران، وجود مراتع مناسب برای اقوام پیرامونی و ناتوانی حکومت‌های قبیله‌ای در پاسداری از قلمروها و بی‌ثباتی اجتماعی برآمده از نوع معیشت قبایل کوچری، بخش عمده‌ای از تاریخ ایران را تا شکل‌گیری دولت مدرن متأثر ساخته بود (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱). تاریخ ایران نیز آوردگاه چنین اقوامی به‌همراه ناپایداری شرایط سیاسی بوده است. (زیباکلام، ۱۳۷۸، ص ۸۹). در ادامه جهت سهولت در تقسیم عناصر سازنده فرهنگ ایرانی، آن را به دو دسته با خاستگاه درون‌سرزمینی و برون‌سرزمینی تقسیم‌بندی می‌کنیم.

الف. خاستگاه درون‌سرزمینی

آن بخش از مؤلفه‌های سازنده هویت ایرانی که برآیند حضور اقوام آریایی، پرورش و دگرسان‌سازی ورودی‌های فرهنگ‌های پیرامونی است و نشان ایرانی به‌خود گرفته‌اند، به خاستگاه درون‌سرزمینی (درون‌فلاتی) معروف‌اند.

۱. زبان فارسی

زبان فارسی در میراث فرهنگی ایرانیان کارکردی بنیادین داشته است. این زبان ایران پس از اسلام را به ایران پیش از اسلام پیوند داده است (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶). پیشینه کهن فرهنگ ایرانی و تراکم تجارت و استعداد فردی شاعران و نویسندگان، رمز ماندگاری ادبیات کلاسیک فارسی در ایران بوده است. ایرانیان برای تکوین و ایجاد هویت ملی تقریباً از همه عوامل (رقص، موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی) بی‌بهره بودند، از این رو ملیت آنان جز زبان (فارسی) مأوا نداشت (مسکوب، ۱۳۷۹، ص ۲۱). در سده چهارم هجری، به‌علت آگاهی ایرانیان به ایرانی بودن خود، درخت «ایرانیت» بر زمین فارسی و در آب‌وهوای اسلام رشد کرد. (مسکوب، ۱۳۷۹، ص ۲۴). زبان فارسی در انتقال میراث پیش از اسلام به دوران اسلامی بسیار مؤثر بوده است؛ به‌گونه‌ای که اندرزنانه‌های دوره ساسانی آبخخور سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی است (مسکوب، ۱۳۷۹، ص ۴۱). شکل‌گیری دولت مدرن و نیاز به تدوین هویت ملی، بسیاری از روشنفکران را بر آن داشت تا «زبان فارسی» را به ستون اصلی ملی‌گرایی ایرانی پیوند زنند و در نتیجه آن اقداماتی برای زدودن آثار فرهنگ عربی که پس از ورود اسلام به ایران وارد فرهنگ ایرانی شده بود، آغاز شد.

۲. آیین‌های دگرسان‌شده

برخی بر این باورند آیین‌هایی چون نوروز خاستگاه ایرانی نداشته و ریشه در تمدن بین‌النهرینی دارند. زیرا در آثار اوستایی به‌روشنی از نوروز نام برده نشده است. پیوند نوروز با جمشید، اسطوره‌ای است که ظاهراً نسبت به اسطوره‌های آفرینش متأخر است و مکمل آن به‌شمار می‌رود. اسطوره نوروز ازسویی با سناریوی آفرینش و ازسوی دیگر با «جمکرد» یا کنش‌های جم، درهم آمیخته است (قمری، ۱۳۸۴، ص ۶۲). ازسوی دیگر، در روایت اسلام شیعی در

ایران، آیین‌ها و مراسم ملی پیرایش شد. عناصر اسطوره‌ای و فراتاریخی و نمونه‌های ازلی روح ایرانی، هویت تاریخی یافت و دارای بار مسئولیت شد (افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷). در جریان تحولات هویت ایرانی و برآمدن اسلام، سیاوش به حسین (ع) و سوگ سیاوش به مصیبت‌نامه کربلا تبدیل می‌شود. این آیین‌ها به‌عنوان بخشی از هویت مشترک ایرانی توانسته‌اند ابزار پیوند هم‌بستگی درون اضداد و پیوست تفاوت‌ها باشند.

۳. باستان‌گرایی

باستان‌گرایی از مؤلفه‌های جدید نوسازی ایران به حساب می‌آید و در پی آن است تا با احیا و تجدید حیات سنت‌ها و عقاید کهن و باستانی، نظم جدیدی را در تفکر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بازتولید کند. گروهی که به تبلیغ و ترویج باستان‌گرایی مشغول بوده‌اند برای هویت‌سازی ایرانیان بر بنیاد مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی باستانی به‌زعم خود با مشاهده پیشرفت غرب و احساس نوعی حقارت در پی درمان عقب‌ماندگی جامعه برآمده‌اند و تنها راه اعتلای ایرانیان را بازگشت به گذشته خود می‌دانند (محرمی، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

۴. اسطوره‌گرایی

یکی از عواملی که سبب شد فرهنگ، زبان و هویت ایرانی‌ها منحل نشود، اسطوره‌هایش بود. انواع تاریخ‌هایی که اعراب پیش از شاهنامه در مورد ایران نوشتند، به همان اسطوره‌های ایرانی اشاره شده در شاهنامه مربوط است و به دوران اشکانیان و ساسانیان که می‌رسند، تاریخی می‌شوند. این اسطوره‌ها در ذهنیت ایرانیان در دوره اسلامی تداوم یافت. حتی غیرایرانیان (مثل قبایل مهاجر ترک) هم که وارد اسلام شدند، تحت تأثیر این اسطوره‌ها قرار گرفته و خودشان را بخشی از تاریخ ایران در نظر گرفتند (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰).

ب. خاستگاه برون‌سرزمینی

۱. دین و مذهب

اکثریت مردم ایران پیرو دین اسلام‌اند. این دین از سرزمین عربستان به پیرامون پراکنده شد. با شکست ساسانیان از اعراب مسلمان در سال ۲۱ هجری، ایران به بخشی از خلافت اسلامی تبدیل شد. جمعیت مسلمان این کشور به دو گروه شیعه و اهل سنت تقسیم می‌شوند که از این

میان حدود نود درصد آنان، شیعه اثناعشری‌اند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۰). حکومت صفویه سبب شد محدوده جغرافیایی ایران، براساس مذهب از پیرامون متمایز و در برابر آنها قرار گیرد. این تمایز ناخودآگاه در خدمت نوعی حس ملی قرار گرفت (مسکوب، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰). از این رو، تشیع عنصر تاریخی و بخش جدایی‌ناپذیر روح هویت ملی ایرانیان است. بسیاری از سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی در شیوه زندگی ایرانیان کم‌وبیش در قالب تشیع شکل گرفته‌اند.

۲. فرهنگ مدرن

آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن غربی که از نخستین مسافرت آنان به فرنگ آغاز شده بود، به تدریج در قالب سفرهای تجارتهای گسترش یافت. قرارداد ترکمن‌چای را در سال ۱۸۲۸ آغاز برخورد ایران با تمدن غرب دانسته‌اند (ندوشن، ۱۳۷۹، ص ۷۶). منشور غرب روند تحول سیاسی جامعه ایرانی را دگرگون کرد؛ از نظر فکری و فرهنگی نیز جابه‌جایی و تزلزلی در حیات اجتماعی ایرانیان پدید آمد. همچنین تأثیر غرب در بُعد اندیشه و اندیشمندان گسست ویژه‌ای به بار آورد که مطالعه تاریخ اندیشه را نیز در قالب قدیم جامعه بی‌ثمر کرده است (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸). در آمدن فرهنگ مغرب زمین در میان ما نه به جبر تاریخ بود و نه علامت پایان یافتن دوره تاریخی فرهنگ ما بلکه معلول ضعف ما بود و قوت آن. به همین دلیل در ابتدای مشروطیت، لیبرالیسم غربی مورد توجه متفکران و مصلحان اجتماعی قرار گرفت (سروش، ۱۳۷۱، ص ۱۱۹).

۳. تکثر هویتی

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی از جمله کشورهای متکثر و ناهمگن است. خود گوناگونی در ایران گوناگون است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳). بدین لحاظ هویت فرهنگی مردم ایران به نوعی جنبه‌های عام و فراگیر فرهنگ و هویت گروه‌های قومی بوده که در گذر زمان شکل یگانه و فراقومی - به اندازه یک ملت کهن - یافته است. از طرف دیگر، هویت فرهنگی و ملی ایرانی چتر گسترده‌ای است که هویت‌های محلی - قومی را در درون خود جای داده و عنصر قوام‌بخش اقوام است. انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی و هشت سال پایداری ملی در

برابر تهاجم عراق، میراث سیاسی و فرهنگی تمام اقوام ایرانی است. شاید از چنین منظری است که رویکرد ژئوپلیتیک را برای مطالعه الگوی ترکیب ناهمگن ملت ایران توصیه می‌کنند.

ج. بحران هویت در ایران

اگر بر جهان مدرن، فردیت، خردگرایی، گیتی‌گرایی و انسان‌محوری حکم فرماست، هویت ایرانی بر جمع‌گرایی، ایمان‌محوری، تحقیر جسم و زمین و برتری دادن جهان ابدی، ازلی و اسطوره‌ای یا اخلاقی - مذهبی و خدامحوری استوار است. براین اساس همه مضامین اخلاقی، جنسی، جنسیتی، خانوادگی و غیره در جهان و هویت مدرن دارای ارزش‌گذاری‌های متفاوت و در تناقض وافر با ارزش‌گذاری‌ها و مضامین هویت ایرانی‌اند.

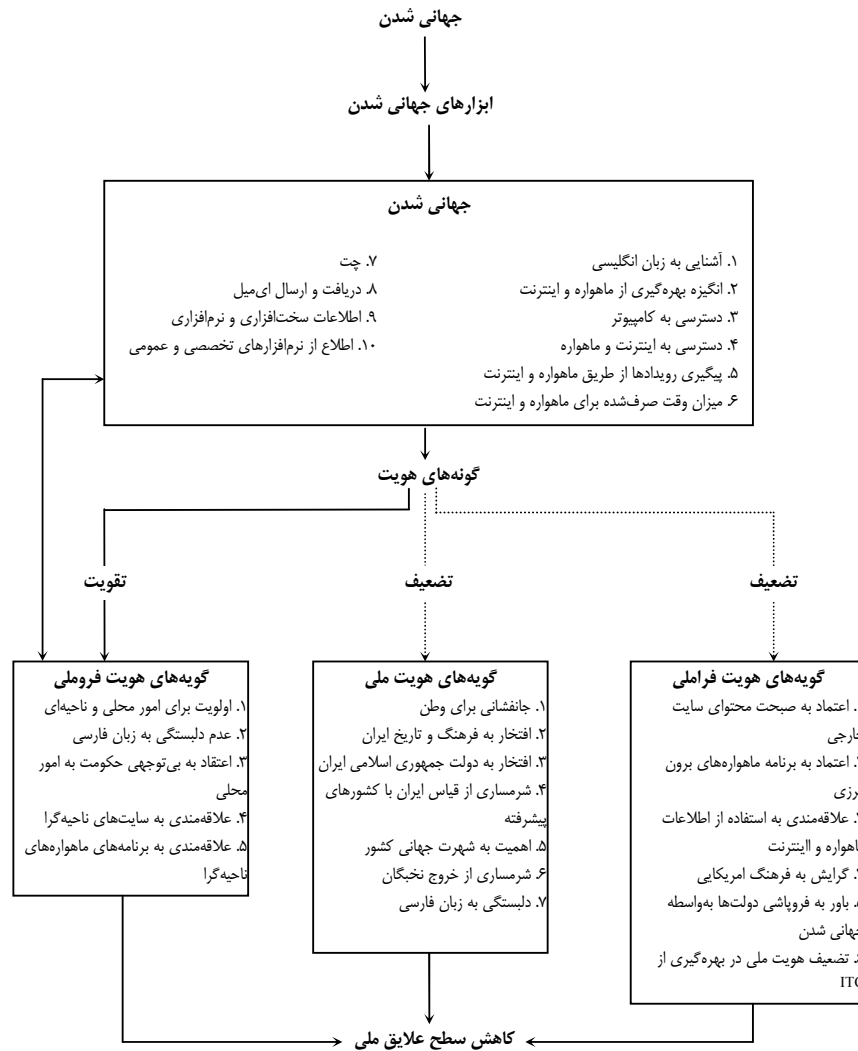
بحران هویت هنگامی نمود می‌یابد که آهنگ تغییر جامعه شدت گیرد. این شتاب و تغییر در ایران پی‌آیند سازوکاری درون‌زا نبود، بلکه برآیند برخورد نظام بومی با نظام اجتماعی، فرهنگ مدنی و عقلانیتی بود که ریشه در غرب داشت. آن فرهنگ، زبان و عقلانیت، در هنجارها و ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و عالم زیست جامعه ایران نوعی اختلال، ناهماهنگی و نابسامانی ایجاد کرد (آقاجری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵). تاریخ یکی از ارکان هویت است و خودآگاهی تاریخی به آگاهی تاریخی مسبوق است. در ایران نهادهایی که باید کارکرد جامعه‌پذیری تاریخی می‌داشتند، اعتماد را سلب کرده‌اند و کتاب‌های تاریخی نیز متناسب با سیاست روز، مرتباً عوض شده‌اند. هنگامی که نسل نو به این نهادهای رسمی بی‌اعتماد شود، در برابر فرایند درونی‌سازی مقاومت می‌کند. در نتیجه مشکل هویتی پیدا می‌کند و دیگر نمی‌تواند هویت ملی خود را براساس تاریخ تعریف کند (آقاجری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). ازدیگرسو، در دنیای جدید هنگامی که درباره هویت ایرانی پرسیده می‌شود، منظور این نیست که ایرانی چه گذشته‌ای دارد بلکه برعکس، پرسش از هویت، پرسش از چیزی است که ایرانی در شرایط کنونی می‌تواند به عالم و آدم عرضه کند (رهیاب، ۱۳۸۱، ص ۵۷). واپس‌ماندگی کشور در گستره اقتصاد، فناوری و غیره نسبت به جهان مدرن، خود مزیدبرعلت شده است. یکی از بهترین مکان‌ها برای واکاوی مطالبات نسل کنونی، وبلاگ‌ها هستند؛ جایی که افراد فارغ از نظارت کانون‌های ناظر، به بیان دیدگاه‌ها، خواست‌ها و مطالبات خود می‌پردازند.

د. وبلاگ و هویت ایرانی

بهترین روش برای درک افکار اجتماعی امروز مردم ایران، رجوع به وبلاگ‌ها و خواندن دیدگاه‌های مختلفی است که عموماً توسط جوانان ارائه می‌شوند. تعداد وبلاگ‌های ثبت‌شده فارسی‌زبان را ۵۰۰ هزار ذکر کرده‌اند که ۲۰ درصد آنها فعال هستند (جهانگرد، ۱۳۸۴). این رقم حدود پنج درصد تعداد وبلاگ‌های فعال دنیا (۱/۶ میلیون وبلاگ) را تشکیل می‌دهد و حجم ذخایر فرهنگی به زبان و خط فارسی در محیط دیجیتال را در رده سوم یا چهارم دنیا (پس از زبان‌های انگلیسی، پرتغالی و فرانسه) قرار داده است (جهانگرد، ۱۳۸۴). دلیل پیدایش این شمار وبلاگ، سهولت استفاده و آزادی نسبی از قیدوبندها بوده است. براین اساس، کارشناسان رشته‌های گوناگون به استفاده از وبلاگ به‌منزله یک رسانه تخصصی ترغیب شده‌اند.

بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به‌سرعت در آینه وبلاگ‌ها بازتاب می‌یابد. یکی از آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌های آگاهی از دیدگاه‌های واقعی جوانان و مردم ایران درخصوص رویدادها، رصد کردن وبلاگ‌ها و تحلیل محتوای آنهاست. با خواندن دقیق مطالب وبلاگ‌های اجتماعی‌ای که جوانان می‌نویسند، می‌توان به عمق دیدگاه‌ها و رفتارهای آنان پی برد. شاید هیچ روش دیگر افکارسنجی به این دقت و عمق نتواند خواسته‌ها و علائق جوانان ایرانی را منعکس کند. دانشجویان قشر بزرگی از جامعه وبلاگ‌نویسان ایرانی را تشکیل می‌دهند. با بررسی وبلاگ‌های دانشجویی می‌توان به مشکلات این قشر پی‌برد و برای حل آنها چاره‌اندیشید. دانشجویان به‌دلیل اینکه گروه مرجع اجتماعی محسوب می‌شوند، بر سایر گروه‌ها و طبقات تأثیرگذار هستند. بنابراین، می‌توان با مطالعه و استخراج رگه‌ها، خطوط و جریان‌های خبری حاکم بر این دسته از وبلاگ‌ها، به پیش‌بینی رخدادهای آینده در هر مقطعی پرداخت. در چند سال اخیر، وبلاگ‌های فارسی از رشد شتابانی برخوردار بوده‌اند؛ به‌طوری که توانسته‌اند رتبه سوم وبلاگ‌های جهان را کسب کنند. دلیل اقبال بیش‌ازحد ایرانیان به اینترنت، بحران در سایر رسانه‌ها و مجامع و اجتماعات است. شاید اگر شرایط رسانه‌ای ایران متفاوت بود، این گرایش وسیع به اینترنت، گروه‌های یاهو، سایت اورکات و وبلاگ‌ها وجود نداشت. این اقبال بلند شاید از بدشانسی ماست. پژوهش کنونی بر آن است تا تأثیر جهانی شدن را در قالب ابزارهای جهانی شدن (ماهواره و اینترنت) بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران بررسی کند. در ادامه این مقوله را عملیاتی می‌سازیم.

مدل مفهومی پژوهش برای عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق



روش تحقیق

دانشجویان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های مرجع کشورهای در حال گذارند. ایران نیز از جمله کشورهای در حال گذاری است که شمار دانشجویان آن فراتر از یک میلیون نفر برآورد می‌شود. این گروه مرجع به دلیل شرایط خاص تحصیلی، فکری و برخورداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانشگاه‌ها، بیشتر از گروه‌های دیگر با فرایندهای جهانی شدن درگیر است. بنابراین، می‌توان با مطالعه و واکاوی مطالبات و جریان‌های فکری حاکم بر این گروه، به پیش‌بینی رخدادهای آینده پرداخت. مسئله اساسی پژوهش کنونی، بررسی نسبت جهانی شدن با هویت ملی در میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است. به این منظور دو پرسشی که در ابتدای مقاله مطرح شد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

در این تحقیق تعداد ۱۱۵۰۷۷ تن از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران در مقام جامعه آماری (N) و ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری (n) انتخاب شده‌اند. در این بررسی t شاخص احتمال (۰/۹۵) و P نسبت موفقیت (P=۰/۵) و α خطای برآورد (۰/۰۵) است و براساس فرمول زیر محاسبه شده‌اند.

$$n = \frac{t_{\alpha/2}^2 NP (1 - P)}{\alpha^2 (N - 1) t_{\alpha/2}^2 P (1 - P)}$$

پرسش‌نامه طراحی شده در این خصوص با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای در میان دانشجویان توزیع شد (۵۲ درصد مرد و ۴۲ درصد زن). پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

یافته‌های تحقیق

تأثیر ابزارهای جهانی شدن و فرایندهای فراملی بر هویت ملی، فروملی و فراملی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب هم‌بستگی (r)	ضریب تعین (r ²)	سطح معنی داری (P)
ابزارهای جهانی شدن (ماهواره و اینترنت)	هویت فراملی	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰۳۶۱	۰/۷۲
	هویت ملی	-۰/۱۵۹	۰/۰۲۵۲	۰/۰۰۳
	هویت فروملی	۰/۱۴۰	۰/۰۱۹۶	۰/۰۰۵
فرایندهای جهانی	هویت فراملی	۰/۰۸۷	۰/۰۰۷	۰/۱۱۷
	هویت فروملی	۰/۱۴۹	۰/۰۲۲	۰/۰۰۵

تحلیل فرضیات

فرضیه نخست

۱. بین گسترش فرایندهای جهانی شدن و کاهش علایق سطح ملی دانشجویان ایرانی رابطه معناداری وجود دارد: نتایج آزمون آماری جدول فوق نشان می‌دهد میان ابزارهای جهانی شدن و هویت ملی ($P=۰/۰۰۳$) ارتباط معناداری وجود دارد. یعنی بهره‌گیری بیشتر از ابزارهای جهانی شدن بر هویت ملی دانشجویان تأثیر داشته است. به دیگر سخن، ضریب هم‌بستگی r پیرسون نشانگر ضریب هم‌بستگی (منفی) در سطح ($-۰/۱۵۹$) نسبتاً بالایی است؛ به طوری که با افزایش میزان استفاده از ابزارهای جهانی شدن، میزان علایق ملی کاهش یافته است. از دیگر سو، با توجه به سطح معناداری میان ابزارهای جهانی شدن و نیروهای فروملی ($r = ۰/۱۴۰$) در سطح معناداری ($P=۰/۰۰۵$) می‌توان گفت ارتباط معناداری میان این دو وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش بهره‌گیری بیشتر از ابزارهای جهانی شدن، تقویت نیروهای فروملی را به دنبال داشته است. در خصوص هویت فراملی ($P=۰/۷۲$) و ($r = ۰/۰۱۹$) می‌توان گفت که ارتباط معناداری میان متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود ندارد؛ به این مفهوم که فرضیه صفر (H_0) تأیید می‌شود. بنابراین ابزارهای جهانی شدن در نقش کاتالیزور یا تسهیل‌گر برای بروز دل‌بستگی‌های فروملی و محلی در ارتباط با هویت ملی عمل کرده است. زیرا زمینه را برای بروز علائق سطح محلی و ناحیه‌ای و هویت‌های خاص فراهم می‌سازد؛ از دیگر سو بیانگر این واقعیت است که روند یکپارچه‌سازی و یکپارچگی ملی در ایران نتوانسته و یا نخواستار علائق و گرایش‌های محلی و قومی را تضعیف کند. بنابراین هر جا این علایق زمینه بروز بیابد، نمود خواهند یافت؛ هر چند ظهور گرایش‌های ناحیه‌ای و قومی به مفهوم عدم پایبندی به همه بنیادهای هویت ملی در پاسخ‌گویان نیست.

فرضیه دوم

۲. جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات، با تقویت نیروهای فراملی و فروملی منجر به تضعیف علایق ملی دانشجویان شده است:

نتایج آزمون آماری نشان می‌دهد گسترش فرایندهای جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیری بر تقویت نیروهای فراملی نداشته است. به عبارت دیگر، رابطه معناداری میان گسترش فرایندهای جهانی شدن و تقویت نیروهای فراملی ($P=0/117$) مشاهده نمی‌شود. پس فرضیه H_0 تأیید می‌شود. بهره‌گیری بیشتر از ابزارهای جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تقویت هویت فروملی دانشجویان ($P=0/005$) شده است. همچنین آزمون آماری ($r=0/149$) پیرسون نشان می‌دهد میان فرایندهای جهانی شدن و هویت فروملی ($P=0/005$) هم‌بستگی بالایی وجود دارد.

یافته‌های فرضیه دوم نشانگر اثرگذاری ابزارهای جهانی شدن بر هویت‌های فروخفته ملی‌اند. این هویت‌ها فضای رسانه‌ای به‌ویژه ماهواره و اینترنت را بهترین جایگاه بروز و تجلی خود یافته‌اند. هرچند الزاماً تقویت هویت فروملی را نمی‌توان زمینه‌ساز تضعیف هویت ملی دانست، این امکان وجود دارد که در آینده چنین هویت‌هایی، نمادهای هویت ملی را به‌چالش کشیده و زمینه‌ساز تقویت نیروهای واگرا شوند. در دنیای نه چندان دور آینده، فضای مجازی و رسانه‌ها در آفرینش بسیاری از فضاهای جغرافیایی و خلق نیروهای هم‌گرا و واگرا، اثرگذارترین کنشگر به‌شمار خواهند رفت. ستون ضریب تعیین (r^2) نشانگر درصد اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته و به‌نوعی تأیید نتایج ضریب هم‌بستگی (r) است. به‌طورکلی، این ستون نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین یا همان هم‌بستگی بالا نیست. اما به این مفهوم هم نیست که در آینده چنین وضعیتی تشدید نشود.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن، بیانگر نوعی پراکنش کروی (اندیشه، کالا و غیره) است تحت این شرایط دامنه کنشگری انسان بُعدی جهانی یافته و این پراکنش به‌مثابه روندی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را در گستره اقتصاد، سیاست، فرهنگ و غیره متأثر ساخته است. تاکنون درخصوص تأثیر جهانی شدن بر تقویت و تضعیف هویت ملی مطالب بسیاری نوشته شده و

هریک از صاحب‌نظران، متناسب با حوزه کاری خود به تفسیر و تبیین روابط فوق پرداخته‌اند. در این پژوهش، جهانی‌شدن به مفهوم روند پراکنش کروی اندیشه و آگاهی در نظر گرفته شده که با بهره‌گیری از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات، مرزهای سیاسی و فرهنگی جوامع مختلف (قوم، ملت و غیره) را فراتر از موقعیت جغرافیایی آنان درنوردیده و آنها را نسبت به سابق در شرایط دگرگونه‌ای قرار داده؛ به‌گونه‌ای که هویت آنان را متحول ساخته است.

نتایج حاصل از پژوهش کنونی نشان می‌دهد جامعه دانشگاهی ایران به‌عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین گروه‌های مرجع کشور، از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر پذیرفته است. این اثرپذیری زمینه‌ساز تقویت آن بخش از هویت‌هایی شده که با عناوین گوناگونی چون هویت محلی، قومی (و در این پژوهش هویت فروملی) تعریف می‌شود. این فرایند حتی هویت ملی آنان را نیز به‌نوعی تضعیف کرده است.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید، «هویت و قومیت در ایران»، **مجموعه مقالات هویت در ایران**، چاپ اول، (تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۳).
۲. آشوری، داریوش، **ما و مدرنیت**، چاپ اول، (تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶).
۳. افتخارزاده، محمودرضا، **اسلام و ایران**، چاپ اول، (تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۷).
۴. آقاجری، هاشم، «رویکردهای نظری - تجربی به گسست نسلی در ایران»، **مجموعه مقالات گسست نسل ها**، چاپ اول، (تهران، پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۸۱).
۵. برادن، کلین، و وشلی، فرد، **ژئوپولیتیک فراگیر**، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، (تهران، انتشارات سپاه پاسداران، انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳).
۶. برگر، پیترل و لوکمان، توماس، **ساخت اجتماعی واقعیت**، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵).
۷. پوراحمدی، حسین، «فرایندهای جهانی شدن و چالش های مفاهیم در رخداد یازده سپتامبر»، فصلنامه سیاست خارجی، (سال پانزدهم، شماره ۴، ۱۳۸۰).
۸. تاجیک، محمدرضا، در مقدمه کتاب: **صدوقی، مرادعلی، تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت ملی**، (چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲).
۹. تهرانیان، مجید، «گفتمان قومی و بی نظمی نوین جهانی»، **مجموعه مقالات (۲) کتاب سروش**، (انتشارات سروش، ۱۳۷۶).
۱۰. توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد، «مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی؛ مطالعه موردی ایلام»، **مجله جامعه شناسی ایران**، (دوره چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۱).
۱۱. جهانگرد، نصرالله، دبیر شورای عالی اطلاع رسانی و نماینده ویژه رئیس جمهور در فناوری اطلاعات و ارتباطات، برگرفته از سایت ایستنا: آژانس خبری فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۱۲. حافظنیا، محمدرضا، **جغرافیای سیاسی ایران**، (چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۲).
۱۳. حافظنیا، محمدرضا، «نامی طبیعی و بازدارندگی توسعه»، در **مجموعه مقالات همایش پژوهش ها و قابلیت های علم جغرافیا در عرصه سازندگی**، (انتشارات موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶).
۱۴. حقدار، علی اصغر، **فراسوی مدرنیت**، (چاپ اول، تهران، انتشارات رفیعی، ۱۳۸۰).
۱۵. دیباج، سید موسی، «درآمدی بر مبانی نظری ضد دولت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، (سال هفتم، شماره سوم، ۱۳۸۳).
۱۶. رجایی، فرهنگ، **پدیده جهانی شدن**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، (چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰).
۱۷. رهنمایی، محمدتقی، **توان های محیطی ایران**، (چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰).
۱۸. رهیاب، حسین، «ماهیت، موانع و امکانات نوسازی هویت ایرانی»، **مجموعه مقالات خودکاوای ملی در عصر جهانی شدن**، (چاپ اول، تهران، انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۱).

۱۹. زیباکلام، صادق، **ما چگونه ما شدیم**، (چاپ ششم، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸).
۲۰. سروش، عبدالکریم، **رازدانی و روشنفکری و دینداری**، (چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۱).
۲۱. شاکری، رضا، «**رابطه آگاهی و هویت**»، **مجموعه مقالات هویت در ایران**، (چاپ اول، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۳).
۲۲. صدوقی، مرادعلی، **تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت ملی**، (چاپ دوم، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲).
۲۳. قدیانی، عباس، **تأثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان**، (چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱).
۲۴. قمری، داریوش، **همبستگی ملی در ایران**، (چاپ اول، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۴).
۲۵. قوام، سیدعبدالعلی، «**جهانی شدن و حادثه ۱۱ سپتامبر**»، **فصلنامه سیاست خارجی**، (سال پانزدهم، شماره ۴، ۱۳۸۴).
۲۶. کاظمی، علی اصغر، **بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر**، (چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶).
۲۷. کیوان، وحید، **جهانی شدن جدید سرمایه داری**، (چاپ اول، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۶).
۲۸. گیدنز، آنتونی، **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، (چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸).
۲۹. محرمی، توحید، «**هویت ایرانی، اسلامی ما**»، **مجموعه مقالات هویت در ایران**، (چاپ اول، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۳).
۳۰. مدیرشانه چی، محسن، «**گوناگونی در ایران، زمینه ساز تکامل ملی و مرکزیت منطقه ای**»، در کتاب **همبستگی ملی در ایران**، (چاپ اول، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۳).
۳۱. مستوفی الممالکی، رضا، **جغرافیای کوچ نشینی عمومی ایران**، (چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷).
۳۲. مسکوب، شاهرخ، **هویت ایرانی و زبان فارسی**، (چاپ اول، تهران، انتشارات فرزاد، ۱۳۷۹).
۳۳. ندوشن، محمدعلی، **ایران چه حرفی برای گفتن دارد**، (چاپ اول، تهران، ناشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹).
۳۴. واترز، مالکوم، **جهانی شدن**، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، (چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹).
۳۵. دلاوری، رضا، **فرهنگ اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل**، (چاپ اول، تهران، انتشارات دلاوری، ۱۳۷۸).
۳۶. مهدوی، مسعود، و طاهرخانی، مهدی، **کاربرد آمار در جغرافیا**، (چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۳).
۳۷. آمارنامه دانشجویان دانشگاه های شهر تهران (وزارت علوم تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳.

38 Dodds, Klaus. **GeoPolitics in a changing world**, (Pub, Prentice hall.10 2000)

39 Encarta.cd.2001.

40 Held, David, **Democracy and globalization**, (MPIFG, Working PaPer, P:23, 1997).

41 Houston, Douglas, the Internet, **Globalization, and Culture**, **School of Business**, (University of Kansas, 2001).

42 Mills, Kurt, "cybernation", **Global society**, (V.1.16, 2002).

43 . Nayar, DeePak, **Governing Globalization**, (Pub University of Delhi, 2001).

44 Reis, Tatiana, **Globalization Theories and the Role of the Internet in Political Struggle**, (Thunder's Mouth Press/Nation, 2002New York).

45.. Salzano, Massimo, **Globalization of the Italian School of Public Ffinance**, (University of Salerno, 2003).